ضمیمه ۴۸
سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
پیکار
دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۵۹

انتخابات مجلس شورای ملی :

تجربه ای برای توده ها و شکستی برای هیئت حاکمه

انتخابات مجلس شورای ملی برگزار شد. حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی، می خواست "افتخار" کند که با کسب نفرت توده ها توانست اکثر کرسی های مجلس را از آن خود کند و کسانی از قبیل فخرالدین حجازی ها، عسگراولادی ها و ... را بعنوان نمایندگان منتخب ملت جا بزنند تا در آنجا به وظیفه خود، توطئه علیه انقلاب و نیروهای انقلابی بپردازند. ولی این "پیروزی" در حقیقت شکست دیگری بیش نبود بدنبال شکستهای قبلی که موجودیت این حزب بورژوازی و حامیان بورژوازی را در معرض حتی اضمحلال قرار داده بود. این به اصطلاح حزب (چرا که بیشتر جمعیت است تا حزب) اکنون در جائی قرار دارد که بیش از پیش از آن خواب و خیال فراگیر شدنش دور شده است. بدیهی است که با چنین موقعیت لرزانی نمی توانست این "پیروزی" را مگر به قیمت ننگ و رسوائی بیشتر برای خود بخرد. دو مرحله ای کردن انتخابات و سپس توسل به کثیف ترین شیوه های دغلکارانه در اخذ و شمارش آراء و لغو انتخابات در شهرهائی که نمایندگان کمونیست انتخاب می شدند، بار دیگر این قانونمندی عام را به اثبات رساند که بورژوازی آنگاه که احساس خطر کند حتی آن قوانینی را که محترم و مقدس شمردنش را از توده ها می طلبد، زیر پا گذاشته و کوچکترین اهمیتی به آن قوانین که خود وضع کرده نمی دهد.

آنچه که علاوه بر اقدامات مستقیم به نوعی امکان "پیروزی" [illegible] این حزب را فراهم ساخت، پیام آیت الله خمینی در آستانه انتخابات بود. وی با آن فتوا با تکیه بر اعتقادات مذهبی توده ها آنها را در مقابل "بیعت رهبر" قرار داد و با خاک پاشیدن بچشم مردم، آراء آنها را برای این حزب جمع نمود. بدیهی است که این پیام و آن اقدامات دغلکارانه، همه و همه حلقه های آن زنجیر توطئه ای بود که می بایست بهر ترتیب که شده حزب جمهوری اسلامی را حاکم بر مجلس شورای ملی گرداند. در شرایطی که "قانون" هرگونه تبلیغ علیه و یا له کاندیداها را در روز قبل از انتخابات ممنوع اعلام کرده بود، آقای خمینی با حمله به نیروهای انقلابی و تخطئه آنها از یکطرف و تبلیغ به سود کاندیداهای بزعم خویش مورد اعتماد، از طرف دیگر، عملا "قانون" خود را زیر پا گذارد و نشان داد که "قانون" تا آنجا مقدس است که کوچکترین لطمه ای به موقعیت هیئت حاکمه نرسد.

این انتخابات البته جنبه مثبتی هم داشت و آن تجربه دیگری بود برای توده ها که خود در عمل دغلکاری و حقه بازی این مدعیان تقوی و پرهیزکاری را لمس کنند. شکی نیست که تا مدتی می توان با توسل به سلاح فتوا و اتکاء کاذب بر معتقدات مذهبی توده ها آنها را بدنبال خود کشید. نگاهی به روند جدائی توده ها از هیئت حاکمه و گرایش بسوی چپ آنان شاهدی است بر این امر. خود مسئله استفاده از این نوع ابزار مردم فریب و بکارگرفتن دغلکارانه ترین شیوه ها، نشانه این امر است که هیئت حاکمه دیگر قادر نیست از طرق قانونی و آشکار مقاصد خود را جامه عمل بپوشاند.

● در شرایطی که "قانون" هرگونه تبلیغ علیه و یا له کاندیداها را در روز قبل از انتخابات ممنوع کرده بود، آقای خمینی با حمله به نیروهای انقلابی و تخطئه آنها از یکطرف و تبلیغ به سود کاندیداهای بزعم خویش مورد اعتماد، از طرف دیگر عملا "قانون" خود را زیر پا گذارد و نشان داد که "قانون" تا آنجا مقدس است که کوچکترین لطمه ای به موقعیت هیئت حاکمه نزند.

در اینجا برای اینکه نمونه هائی از حقه بازیهای این تشنگان قدرت را نشان دهیم به ذکر نمونه هائی از تقلبات انتخاباتی و اعمال نفوذها در تهران و برخی از شهرهای ایران اکتفا می کنیم :

● تهران

حوزه مسجد ابراهیم خلیل ـ خیابان نصیری

در این حوزه اگر شخصی لیستی غیر از لیست ائتلاف بزرگ در دست داشت، چندین بار پاسداران سرکشی می کردند و مانع از این می شدند که کسی بجز آن لیست کذائی رای دهد. در این حوزه [illegible] چند نفر از عوامل حزب جمهوری اسلامی برای پرکردن برگه رای برای آنان بودند.

حوزه شماره ۱۸۰۰ ـ نازی آباد :

روی میز حوزه یک اعلامیه بزرگ مربوط به حزب جمهوری اسلامی (ائتلاف بزرگ) قرار داشت که منتخبان حوزه مرتبا از یکایک مراجعین می پرسیدند که آیا به اسلامی ها رای می دهی؟، آنها را به میز ائتلاف بزرگ راهنمائی می کردند. اعتراض مراجعین به این تقلب اسلامی و متقلبین حزب جمهوری اسلامی به تنهائی هیچ ثمری نداشت بلکه گاهی حتی با کتک نیز مواجه میشدند. در گفتگوئی با نماینده وزارت کشور در آن حوزه وی اظهار داشت که "من هم تا بحال بارها اعتراض کرده ام ولی مرا از حوزه بیرون کردند و حتی منشی هم [illegible]. کاری از من ساخته نیست"!

حوزه ۸۹۲ ـ میدان فردوسی

صندوق رای این حوزه توسط پاسداران کمیته منطقه ۹ ربوده شد. از آنجا که در این حوزه نظارت نمایندگان نیروهای انقلابی تا حد امکان از تقلب ائتلاف بزرگ جلوگیری کردند، لذا ارتجاع چاره کار را در ربودن صندوق رای دید!

حوزه ۶۸۲ ـ مسجد شهرستانکی ها میدان گرگان :

در این حوزه علاوه بر منشیان حوزه چند دختر و پسر آراء مراجعین را کنترل می کردند و در صورتیکه اسامی غیر از لیست ائتلاف بزرگ نوشته شده بود، علنا این کاندیداها را شناسائی کرده و در بسیاری از موارد آنها را خط زده و بس لیست ائتلاف بزرگ را وارد برگه ها می نمودند!

شهرستانها

● امیدیه

حوزه شماره ۱۳ دبستان تاج .

منشی حوزه حاتم رحمتیان از ممهور کردن شناسنامه رای دهندگان خودداری میکرد تا آنها نتوانند بار دیگر رای دهند! مخالفت با این تقلب حاتم منشی، تهدید پاسداران را بدنبال داشت. در این حوزه همچون اکثر حوزه ها مراجعین از کاندیداها شناختی نداشتند و این خود کافی بود برای اینکه ضعف ائتلاف بزرگ و عوامل گرد آمده احساس نشود.

حوزه علی آباد :

در این حوزه منشی دو نفر از خواهران انجمن اسلامی را پیش خود نشانده بود تا برای بیسوادها، کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی را قالب کنند. این خواهران مقدس بعد از چند ساعت تقلب اسلامی بالاخره تحت فشار ناظرین از حوزه بیرون رانده شدند!

● بهبهان

با اینکه فرمانداری تحت فشار نیروهای انقلابی مجبور شده بود تعداد ۲۷ کارت نظارت انتخابات برای این نیروها صادر کند ولی این ناظرین عملا فاقد آن قدرتی بودند که جلوی تقلبات اسلامی آقایان را بگیرند. تازه از این ۲۷ کارت تعداد ۸ کارت آبی و بقیه بصورت فتوکپی بود که بنابراین عاری از هرگونه اعتباری بود. با این حال هرگونه مخالفت ناظرین با تقلبات عوامل حزب جمهوری اسلامی از طرف متصدیان امور با این جواب مواجه میشد که بروید به فرمانداری شکایت کنید!!

حوزه شماره ۷ بهبهان :

در این حوزه از اول صبح بلندگوی مسجد سخنان [illegible] آیت الله خمینی پخش میشد. این سخنان که بنوعی تبلیغات حزب جمهوری اسلامی بود، آشکارا کاندیداهای غیر از این حزب را که با سلام و صلوات "اسلامی" معرفی شده بودند محروم کرده بود.

گردانندگان این حوزه نیز همچون دیگر حوزه ها از کمیته ها و پاسداران و انجمن های اسلامی بودند. با اینکه این حوزه در شلوغ ترین و پرجمعیت ترین نقاط بهبهان قرار گرفته، لکن تنها ۷۵۰ رای به صندوق ریخته شد که این نشان دهنده استقبال توده ها از مسئله انتخابات مجلس می باشد.

● میانکوه

حوزه شماره ۶ ـ آناهیتا :

اغلب اهل محل بیسواد هستند و شناسنامه هاشان فاقد عکس. با اینحال آقای طهماسبی مسئول حوزه به آنها اجازه رای داد.

● بروجرد

در این شهر تقلب اسلامی در اوج خود بود. موارد زیادی در حوزه ها دیده شد که فرد بیسوادی با اینکه نام یک کاندیدای انقلابی و یا [illegible] را برده با این حال توسط کسانی که در آن حوزه به نوشتن آراء مشغول بودند نامهای [illegible] ولی نمایندگان [illegible] و [illegible] حزب جمهوری اسلامی نوشته میشد. تقریبا در همه حوزه ها عوامل این دو کاندیدا آراء مردم را مورد تفتیش قرار داده و در صورت لزوم تبلیغ آن دو نفر را در عمل می نمودند.

در یکی از حوزه های اخذ رای پلاکاردی آویزان شده بود که بر روی آن این عبارت نقش بسته بود: "به کاندیداهای بیکاره، [illegible] و [illegible] رای ندهید". هنگامیکه هواداران سازمان قصد داشتند از این پلاکارد عکس تهیه کنند، حضرات متوجه شده و آن را پائین آوردند!

شب قبل از رای گیری در اکثر مساجد (از جمله مسجد سجاد، تاجر، جامع و ...) نام یکی از دو کاندیدای فوق تبلیغ شده بود.

تازه این آقایان اسلام پناه به همه این تقلبهای بیشمار اکتفا نکرده و بطور فوق العاده اعجاب انگیزی هنگام شمارش آراء هر چه خواستند کردند!

بطورکلی در این شهر اکثریت رای دهندگان بیسواد بودند و هیچگونه شناختی از کاندیداهای قالب شده از طرف پاسداران و حزب جمهوری اسلامی نداشتند، بخصوص در روستاها که حتی روستائیان نمیتوانستند نام کسی را که میخواستند به او رای دهند درست تلفظ کنند. مثلا در بسیاری نقاط بروجردی را بدومند، هدومند، فردسند و ... میخواندند!

● مسجدسلیمان

استقبال مردم این شهر و روستاهای اطراف از انتخابات بسیار محدود بود. از آنجا که نیروهای انقلابی در سطح شهر کنترل بیشتری برای جلوگیری از تقلبات داشتند لذا عمده تقلبات در روستاها صورت گرفت. پاسداران که در این نقاط مسئول صندوقها بودند، از جمله در روستای خواجه آباد و "هفت شهیدان" و ... حتی از شناسنامه های افراد فوت شده برای جمع آوری رای جهت آقای موسوی (آخوند) استفاده میکردند.

● تبریز

حوزه ۱۶ ـ مسجد ناروئی ابراهیم خان سرخاب :

اکثر مراجعین در این محله غیر بیسـ

مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می توانند حل کنند، نه عافیت جویان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بعلت بیسوادی و یا ناآگاهی نمیدانستند به چه کسی باید رای دهند و گاه اگر از آنها می‌پرسیدی که به چه کسی میخواهی رای دهی؟ میگفتند به بنی صدر، بهشتی، عرفات و ... که عمال حزب جمهوری اسلامی هم با سوء استفاده از این ناآگاهی کاندیداهای خود را به افراد قالب میکردند.

حوزه مسجد امام حسین :

وقتی که یک پاسدار ورقه یک زن بیسواد را گرفته و کاندیداهای مورد نظر خود را نوشت با اعتراض یکی از هواداران سازمان در آن حوزه روبرو شد. پاسدار اسلحه خود را مقابل رفیق هوادار گرفت و او را تهدید کرد. لکن رفیق خطاب به پاسدار گفت: "بکش ماشه را. ولی من حرفم را میزنم!" که مردم پاسدار را از آنجا دور کردند.

حوزه ۶۵ ـ خیابان سرباز شهید :

یکی از رفقای سازمان را که کارت نظارت این حوزه را داشت بعلت اینکه به لیست حزب جمهوری اسلامی که در جلوی صندوق نصب شده بود اعتراض کرده بود بازداشت کرده و تا پایان انتخابات در بازداشت نگهداشتند. آنها قصد داشتند که رفیق ما را زندانی کنند که در مقابل تهدید به اعتصاب غذای رفیق، ناچار از آزاد کردن او میشوند.

حوزه ۹۳ ـ شاه آباد، مسجد ملا حسن :

چون در این حوزه تا آنجا که امکان داشت از اعمال نفوذ عوامل حزب جمهوری اسلامی جلوگیری شده بود لذا بازرس فرمانداری (از عمال حزب جمهوری اسلامی) سعی کرد آراء این حوزه را باطل نماید لکن مخالفت نمایندگان سازمان ما و سازمان مجاهدین توطئه او را نقش بر آب ساخت. طبق آمار شمارش شده این حوزه که ۸۲۰ رای داشت، بیشترین آراء را موسی خیابانی با ۵۶۱ رای بخود اختصاص داده بود. آمار زیر مربوط به این حوزه میتواند گوشه‌ای از بی اعتنائی مردم را به این انتخابات نشان دهد.

تعداد رای دهندگان در رفراندم قانون اساسی	۲۵۰۰ نفر
تعداد رای دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری	۱۰۷۰ نفر
تعداد رای دهندگان در انتخابات مجلس شورای ملی	۸۲۰ نفر

• بندرانزلی

درمورد تقلبات اسلام‌پناهان این شهر، [illegible] رفیق مسعود پورکریم کاندیدای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نامه اعتراضی حاوی نمونه‌هائی از این تقلبات را خطاب به فرماندار بندرانزلی به فرمانداری تسلیم نموده که متن آن را میخوانید:

ریاست محترم فرمانداری بندرانزلی

از ابتدای شروع فعالیتهای انتخاباتی مجلس شورای ملی بارها متذکر شدیم که دسته‌های باندبازی از جانب آقایان پورکل و حسنجانی بوجود آمده که بطور سیستماتیک و طبق یک برنامه حساب شده به پاره کردن اعلامیه‌ها و پرده‌های سیاسی گروههای انقلابی می‌پردازند که متأسفانه هیچگونه اقدامی از جانب مقامات فرمانداری برای دستگیری این عوامل صورت نگرفت.

آقای پیشوائی که خود را نماینده امام در بندرانزلی میداند و بر این هم مأمور امام در منطقه است طی اعلامیه‌ای از آقای پورکل اعلام پشتیبانی میکند و از همه دعوت میکند که رای خود را به آقای پورکل بدهند.

با توجه به اعتراضاتی که از جانب نیروهای انقلابی میشود آقای فرماندار در روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۲۳ در مقابل اعتراض ناظرین صندوقهای انتخابات متعهد میشود که تا غروب همان روز موضع خود را در مقابل این عمل خلاف و غیر "قانونی" آقای پیشوائی روشن کند. هنوز هم پاسخ روشنی به این امر نداده است و ما باز مصرانه خواهان موضعگیری آقای فرماندار هستیم و معتقدیم که اعلام پشتیبانی آنجناب از آقای پیشوائی موجب تغییراتی در میزان آراء کاندیداها شده است.

آقای حسنجانی با اینکه میدانست که در روزهای پنجشنبه و جمعه تبلیغات انتخاباتی ممنوع اعلام شده است در شب جمعه اعلامیه‌های تبلیغاتی خود را به خانه‌ها می‌انداختند.

اینها تخلفاتی بود که در روزهای قبل از انتخابات انجام گرفت و ما در روز انتخابات نیز با موارد متعددی از تخلف روبرو بودیم و همچنین حرکتهای محدود کننده‌ای از جانب نیروهای انحصارطلب صورت گرفت که بطور نمونه اشاره میشود.

۱ ـ در [illegible] جابجا بارها عده‌ای به نفع آقای حسنجانی تبلیغ میکردند که از جانب نیروهای انتظامی مستقر در محل اقدامات لازم برای جلوگیری از ادامه این حرکت انجام نمیشود که از جانب ناظرین مأمور روی صندوق مورد اعتراض قرار میگیرد که توجهی به آن نمیشود.

۲ ـ در فرنگی ـ صندوقی که صبح در فرنگی بود بعد از ظهر بدنبال نامه‌ای که از جانب دستجات وابسته به آقای حسنجانی از خیرله‌چوکا از فرمانداری آورده بودند صندوق رای به این محل منتقل میگردد. بدنبال این انتقال آشفتگی زیادی بوجود می‌آید و در محل تبلیغاتی برای آقای حسنجانی میشود که ناظرین مأمور روی صندوق مراتب را طی صورتجلسه‌ای به بخشداری گزارش میکنند که هیچ اقدامی از جانب بخشداری انجام نمیگیرد و از نظر ما آرای این صندوق مغشوش و غیرقابل شمارش است.

۳ ـ در یکی از حوزه‌های آشکارا عوامل آقای حسنجانی با تبلیغ برای آقای حسنجانی و سوءاستفاده از ناآگاهی مردم، مردم را وادار به رای دادن برای آقای حسنجانی می‌نمایند که این امر موجب عدم امضای ورقه شمارش آراء از جانب ناظرین صندوق میگردد. و از نظر ما آرای این صندوق نیز غیرقابل شمارش است.

۴ ـ در کپورچال، اول صبح آقای سعدوی نماینده فرماندار در محل برای آقای پورکل تبلیغ می‌نماید و افراد دیگری نیز برای آقای پورکل و ولی‌زاده تبلیغ می‌نمایند وقتی با اعتراض ناظرین مأمور روبرو میشوند محل تبلیغ خود را از محل اخذ رای به داخل شهر و قهوه‌خانه انتقال میدهند و اعتراض و گزارش ما نیز موثر واقع نمیشود و این صندوق نیز از نظر ما غیرقابل شمارش است.

۵ ـ در مدرسه نظامی واقع در پشت استادیوم تختی یک ماشین تویوتا به شماره ۲۱۷۷۲ تهران ـ م با چهار سرنشین در جلوی مدرسه به نفع آقای حسنجانی تبلیغ مینمایند که بارها مورد اعتراض قرار میگیرد.

۶ ـ لله‌کا ـ در این روستا یک دبیر لیسانسیه که از اهالی روستا بود ادعا میکند که بدلیل اینکه در دوره‌های قبل ناظر صندوقهای اخذ رای بوده اکنون نیز باید بعنوان ناظر پذیرفته شود و بدون داشتن معرفی‌نامه به تغییر عنوان فرماندار انزلی و بخشدار و مأمور وزارت کشور، این نفر موفق میشود که این امر را بر ناظرین صندوق تحمیل نموده و ریاست صندوق اخذ رای در آن محل قرار دهد.

۷ ـ کوچک محله ـ در این محل نیز بعلت دخالت عوامل آقای حسنجانی از جانب ناظرین مأمور روی صندوق، صندوق غیرقابل شمارش اعلام شده و مراتب طی صورتجلسه‌ای به نماینده فرماندار اعلام شود.

۸ ـ تلفن ستاد انتخاباتی ما از جانب نیروهای انحصارطلب اشغال میگردد که با مراجعه به اداره مخابرات این اشغال برطرف میگردد. با توجه به اینکه تلفن و محل تبلیغاتی ما در روز انتخابات علنی نبود و کسی از آن مطلع نبود این اشغال یک امر ساده و قابل گذشت نیست و ما منتظرانه از آقای فرماندار میخواهیم که روشن کنند که چه کسانی اقدام به اشغال تلفن محل تبلیغاتی ما نمودند. و این افراد را معرفی نمایند و از نظر ما این اشغال فقط از بالا یعنی از اداره مخابرات امکان‌پذیر است که حتماً بنابر یک دستور کنترل مکالمات تلفنی انجام گرفته است.

با احترامات مسعود پورکریم
کاندیدای سازمان پیکار در راه
آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۸/۱۲/۲۶

اعتراض به حذف نمایندگی خود از جانب محمد جواد خاتمی

تاریخ : دوازدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت
به : کمیسیون بررسی صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس شورای ملی و فرمانداری اهواز
از : محمدجواد خاتمی نامزد نمایندگی مجلس شورای ملی در اهواز از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
موضوع : اعتراض به حذف نام از لیست نامزدهای نمایندگی مجلس شورای ملی

محترماً اینجانب محمدجواد خاتمی فرزند علی دارنده شناسنامه شماره ۲۸۴ صادره از آبادان نامزد نمایندگی مجلس شورای ملی در اهواز از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، ضمن اعتراض شدید به حذف نام خود از لیست نامزدهای نمایندگی مجلس شورای ملی و همچنین اعتراض شدید به وجود جو غیردموکراتیک در اهواز و با یادآوری این نکته که هیچکدام از نامزدهای انتخاباتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تهران و سایر شهرستانها از لیست نامزدهای انتخاباتی حذف نشده‌اند و با تذکر این نکته که طبق گفته صریح وزیر کشور و سایر ارگانها و مقامات مسئول رسمی، که در مطبوعات درج و از رادیو و تلویزیون نیز پخش گردیده، مبنی بر آزادی شرکت کلیه احزاب، گروهها و سازمانها در انتخابات مجلس شورای ملی، تخطی کمیسیون بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی را از این امر کلی شدیداً محکوم کرده و خواهان تجدید نظر فوری در این تصمیم خودسرانه، که حتی در مقابل تقاضای اصولی و صریح اینجانب برای دریافت کتبی دلیل یا دلایل حذف نام از لیست نامزدهای انتخاباتی از تسلیم دلیل یا دلایل چنین تصمیمی بصورت کتبی امتناع ورزید، هستم. به اضافه برای جلوگیری از اتلاف وقت و نیز جلوگیری از اعمال غرضهای افراد و گروههای انحصارطلب که در جهت تضعیف مواضع نیروهای انقلابی و تقویت مواضع نامزدهای مورد نظرشان خواهند با دفع الوقت و کاغذبازی باعث شوند که تصمیم‌گیری در مورد این امر به تعویق افتد و نظر به اینکه فقط یازده روز فرصت تا زمان انتخابات باقی مانده، اعلام می‌کنم که از همین الان تبلیغات انتخاباتی خود را شروع می کنم و منتظر اتخاذ تصمیم نهائی و بررسی مجدد در کمیسیون مربوطه و تصحیح تصمیم گرفته شده هستم.

با ارسال رونوشت این اعتراض به مقامات بالا و مطبوعات کشور، مقامات مسئول را به بررسی و خلقهای قهرمان میهن سربلندمان را به قضاوت دعوت می کنم.

محمدجواد خاتمی
۵۸/۱۲/۱۲

رونوشت : ریاست جمهوری ـ وزارت کشور (تلگرافی)
رونوشت : نشریات کار، پیکار، راه کارگر، مجاهد، امت (تلگرافی)
رونوشت : روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، صبح آزادگان، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی (تلگرافی)

نامه رفیق فرج اله دشتیانی به: دادستان انقلاب اسلامی آبادان

محترماً اینجانب فرج الله دشتیانی کاندیدای مجلس شورای ملی ساعت ۷ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۲۳ بر اساس یک گزارش بی اساس یکی از اعضاء هیئت اجرائی انتخابات بنام معینی در کلانتری بخش ۲ بدستور دادستان شهرستان آبادان دستگیر و بازداشت شدم. از آنجا که اینجانب کاندیدای مجلس و دارای حقوق کاندیداتوری و مصونیت سیاسی بودم به این بازداشت اعتراض نموده که دادستان در این مورد سلب مسئولیت نمود و تشخیص این حقوق را به فرماندار واگذار کرد. پس از اعلام این موضوع به فرماندار، مشارالیه ضمن اینکه بر کاندیداتوری اینجانب تأکید داشت، آزادی مرا از نظر قضائی مربوط به دادستان دانستند (طی یادداشت کتبی به رئیس کلانتری). با توجه به اینکه من از کاندیداتوری حذف نشده بودم و می بایستی از حقوق مسلم کاندیداها برخوردار باشم معذالک در اثر سهل‌انگاری و عدم احساس مسئولیت دادستان از هنگام بازداشت (۷ بعد از ظهر پنجشنبه ۵۸/۱۲/۲۳) تا ساعت نگارش این شکوائیه (ساعت ۲/۲۵ جمعه تاریخ ۵۸/۱۲/۲۴) با وجود کاندیدای مجلس شورای ملی بودن در بازداشت بسر می برم. بهمین مناسبت اینجانب بر علیه دادستان شهرستان بعلت سهل‌انگاری و عدم احساس مسئولیت وی در رسیدگی به وضع اینجانب با توجه به ضیق وقت و همچنین پایمال کردن حقوق کاندیداتوری و مصونیت سیاسی اینجانب اعلام جرم می نمایم.

کاندیدای مجلس شورای ملی
۵۸/۱۲/۲۴ فرج الله دشتیانی

رونوشت : روزنامه‌های کثیرالانتشار جهت درج

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org